



۲۰۱۶/۱۲/۲۴



حامد نوید

## نگاهی به سیر تاریخی زبان دری به استناد آثار خطی افغانستان و کشور های همجوار

### بخش دوم

#### تاریخچه زبان های هند و آریایی شرقی:

شواهد تاریخی مبین این امر است که حوزه فرهنگی میان آمو دریا، سیر دریا و دریای مرغاب بستر مدنیت های بسیار پارینه و کهنی در آغاز دوره فلزات (عصر مفرغ) بوده است. تحقیقات بیشتر باستان شناسی و انترپولوجی ساحة گسترش این فرهنگ را تا به نادعلی (در ولایت نیمروز) و مندیگگ قندهار (در حوزه هیلمند) در دوره آهن از طریق هرات تثبیت کرده است. در حوالی ۱۵۰۰ ق م ارزش های فرهنگی این تمدن کهن در اثر مهاجرت آره گان باستان تا به شمال نیم قاره هند گسترش یافت؛ از آنجایی که اسناد کتبی مربوط به عصر برنز Bronze تا حال بدست نیامده و سرود های ویدی نیز در نخست به صورت شفاهی سروده می شد، از اینرو قضاوت در مورد ساختار زبان های کهن آریایی دشوار است، اما عده ای از زبان شناسان عقیده دارند که میتوان نشانه هایی از زبان های کهن این دوره را در زبان باختری عصر اوستایی، و زبان های پامیری، سغدی، شغنی و گنده هاری پیدا کرد. در هنگام مستقر شدن اقوام آریایی در شمال نیم قاره هند سرود های ویدی به زبان سانسیکریت نگاشته شد که از زبان بومی هند (دراویدی) متفاوت بود. از اینرو زبان سانسیکریت و مشتقات آن از زمره زبان های هند و آریایی شرقی شناخته می شود.

سرود های ویدی شامل چهار کتاب ریگویدا یجورویدا Yajurveda اترا و ویدا Atharvaveda و سما ویدا Samaveda یکی از منابع بسیار ارزشمند شناخت ادوار تاریخی کهن است که در آن اسم شهرها، کوه ها و دره ها و فرمانرویان پارینه اقوام آریایی که از شمال رود آمو (بخش های جنوبی آسیای مرکزی) و باختر می آمدند ذکر یافته است. بنا بر عقیده عده ای از پژوهشگران در حوالی ۱۸۰۰ ق م و یا پیشتر از آن مردمانی از فلات آسیای مرکزی، بخصوص از نواحی کورگان به سوی بلخ سرازیر شدند. این مردمان با خود اسطوره ها، ورد ها، و سروده هایی را آوردند که با عقاید و پندار های مردمان بلخ در آمیخت و آئین جدیدی را پدید آورد. دره نگام کوچ اهالی باختر بسوی جنوب اسطوره ها، ورد ها و سروده های بیشتری با آن افزوده شد که مجموعه آن به نام سرود های ویدی یاد می

گردد. البته قرن ها را در بر گرفت تا این مردمان که خود را آره ها یا آریا ها می خواندند و سرزمین آبیایی خود را آریا ورته یاد می کردند به سرزمین هفت دریا (سپاته سندهو) و خطه بهارت (هندوستان) با اقلیم گرم آن برسند. پیش از رسیدن این مردمان به نیم قاره هند همه این سروده ها به صورت شفاهی بود، سینه به سینه حفظ می گردید و از نسلی به نسل دیگری انتقال می یافت. در سرود های ویدی اسم شهرهای قدیمی چون بلهیکا (بلخ)، کوبها (کابل)، کرومو (کرم) و نام شاهانی چون یمه (یما) و تورویانا یاد گردیده است. در اینجا سروده زیبای از نیایش های ویدی را که توسط شهزاده خانمی به نام گهوچه گفته شده ارائه میداریم:

سروده ۱۱۷ از جلد اول ریگویدا

گوینده: شهزاده خانم گهوچه

ای ستارگان صبح گردونه شما که تندرو تر از خیال است و اسپان دلیر و تند آنرا می کشند به سوی مردمان می شتابد تا منزلگه پاکان را جست و جو کند.

کجا می روید ای دلاوران و پهلوانان؟ اینجا به قرارگاه ماه بیابید.

شما ای اربابان کارنامه های شگفت! نیام برون آوردید تا مالک پیروزی و شکوه گردد آنانیکه مانند زرنابی مدفون باشد و چون کسی که در سینه تباهی و فنا خسپیده، یا مانند آفتابی که در حجله ظلمت خوابیده باشد.

شما ای ستاره های صبح! شما که به دستگیری نیروی تان آن مرد باستانی را به آغوش جوانی سپردید شما ای ناستیه ها گردونه های تان را بگمارید تا دختر آفتاب را با همه شکوهی که دارد بردارد .... با اسپ های گندمگون تان که با بال های چابک پرواز می کنید "وها دیوا" را از میان امواج آب برون کردید.

ای اربابان کارنامه بزرگ زمین ها را شیار زدید و جو کاشتید، برای آدمی شیر و غذا دادید. دشمنان را با کرنای تان به دور افگندید و به آریه روشنی و درخشنگی بخشیدید ... ای ستارگان صبح ای ناستیه ها، ای بزرگان من به نیازهای من به دیده مهر بنگرید .... و به کودکانم توانگری بخشید!



ای خداوندان نیرو ادعیه من زمانی به شما گفته خواهد شد که فرزندان دلیر و شجاع من در کنار من ایستاده باشند. من به سوما خطاب می کنم که از همه به من نزدیکتر است. جای او در روان ماست.

از او می‌خواهم که گناهانم را یکسره عفو کند.

این سروده زیبا را رالف گریفیت Ralf T.H. Griffith زبانشناس معروف انگلیسی در سال ۱۸۴۹ از سانسیکریت به انگلیسی ترجمه نمود؛ دانشمند و شاعر گرانمایه افغانستان جناب عبدالرحمن پژواک آن را به دری برگرداند و در سال ۱۳۲۲ شمسی در شماره ۶ مجله آریانا به چاپ رسید. از شاعران دیگر این دوره به گفته گریفیت او را پاله، واندانی و لویا مادوره بوده که سروده‌های شان در ریگویدا ذکر است. این نیایش نمونه ایست از سروده‌های کتاب ریگویدا که در هزاره دوم ق م از بلهیکا (بلخ) تا کوبها (کابل) و از آنجا تا سرزمین بهارت (هند) گسترش داشت. فراورده‌های هنری و چکامه‌های ادبی مربوط عصر ویدی این حقیقت را با پیرایگی و صداقت بازگو می‌نمایند که باختر قدیم در زمانه‌های پار فرهنگ و تمدن شگوفایی داشته و یکی از پرورشگاه‌های زبان‌های باستانی شرقی بوده است.

پایان بخش دوم

ادامه دارد

